

شهیدِ عشق

احمد تورگوت

دریا توره

ارمنیای، نندی داریان، محمد فروهر

www.ketab.ir

نویسنده: احمد تورگوت
مترجمان: دریا توره، اسماعیل بندی‌داریان، محمد فروهر
ناشر: کتابستان معرفت
مدیر هنری و طراح جلد: اکبرزاده
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۱۵۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۶-۰۹-۷
براستا: علی رضا اشتري
ناظر محتوایی: محمد علی ناطقی، حامد اشتري
طر چاپ: سجاد قاسمی
ناظر ادبی: حامد اشتري
میکروگراف: دفتر باط
چاپ: دفتر باط
صحافی: در تبلیت



کتابستان مرکزی: قم، خیابان آیت الله العظمی بروجردی پاساژ قدس، ساختمان کوثر
تلفن: ۰۲۵-۳۱۰۷۴
کتابستان تهران: تهران، میدان شهید داخل ایستگاه مترو
تلفن: ۰۲۱-۳۳۳۵۰۰۷۲
پایگاه اینترنتی: www.Ketabestan.ir
حقوق چاپ و نشر برای انتشارات کتابستان معرفت محفوظ است.

فیبی
سرشناسه: تورگوت، احمد، ۱۹۷۵ -
عنوان و نام پدیدآور: شهید عشق
مشخصات نشر: قم: کتابستان معرفت، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۵۰۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۶-۰۹-۷ / ۲۱۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبی: مختصر
یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nli.ir> قابل دسترسی است
یادداشت: عنوان اصلی: Askın şehidi
شناسه افزوده: توره، دریا، ۱۳۵۱ -
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۱۷۲۴۶



و با بر رحمت فرمود:

«همانا برای حسین محبتی ست در قلب مومنان، که هرگز و هرگز سرد نمی شود...»^۱

مگر می شود که حسین علیه السلام را شناسد و عاشق او نشود. جهان هستی همگی انگشت به دهان، مهیبت تمامی این مخلوق خدا بوده و هستند. حسینی که آسمان و زمین در عزایش اشک ریخته و وحوش و ماکیان در رثایش نوحه سر می دهند با قلب انسان های آزاده چه می کنند؟
حرارت حسین علیه السلام از بین نمی رود، که نمی شود و این شعله هرگز خاموش نمی گردد. دست های یزیدی هرچه هم بکوشد این شعله خاموش کنند، از جای دیگر شعله گرفته و بساط گمراهی شان را می سوزاند.
اما این بار قرعه ی دلدادگی بنام مسلمانی حنفی مذهب در ترکیه افتاده و باعث گشته تشنه ای دیگر به سرچشمه ی هدایت دست یافت و رشتگان را از آن باخبر کند، این آزاده اگرچه دارای مرام و مذهبی غیر شیعه است و استوار است خورشید را ندیده گرفته و دیگران را از گرمایش باخبر نکند.

رمان «شهید عشق» بازخوانی عرفانی واقعی عاشورا است که به قلم احمد تورگوت برای اولین بار در سال ۲۰۱۱ در ترکیه به چاپ رسیده و با استقبال کم نظیر خوانندگان مواجه می شود. تورگوت نویسنده آزاده ی ترکی است که غبارها را از

۱. مستدرک الوسائل ج ۱۰ ص ۳۱۸ - جامع احادیث الشیعه ج ۱۲ ص ۵۵۶

بصیرت دل کنار زده و با دیده‌ای که به بد دیدن نیالوده حسین علیه السلام را به جهانیان معرفی می‌نماید. او پیش از این فیلم‌نامه پربیننده‌ترین سریال ترکیه را نوشته و در عرصه ادبیات غایشی حضوری فعال داشته است. این رمان اولین بخش از سه‌گانه‌ی «شهید عشق»، «سفیر عشق» و «سجده عشق» است.

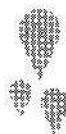
«شهید عشق» را نمی‌توان یک رمان با فراز و نشیب‌های داستانی معمول دانست اما بی‌شک تلاشی ست در جهت بازگویی واقعه‌ی کربلا به شیوه‌ای داستانی و همراه با چاشنی جهان‌بینی عرفانی.

در این رمان اگرچه نویسنده کوشیده بیشترین وفاداری را به نقل‌های تاریخی از خود سنت دهد اما نمی‌توان توقع داشت که جریان‌ات آن تطابق کلی با منابع دست اول شیعه داشته باشد. در کتاب تورگوت، حسین علیه السلام در جای جای سفر آیتی را می‌یابد که یا در منابع تاریخی فریقین اثری از آن یافت نمی‌شود و یا اینکه با نقل‌های معبر شده تطابق ندارد. همچنین شخصیت‌های رمان گاه درگیر خرده ماجراهایی می‌شوند که اگرچه منافاتی با مقام انسانی‌شان ندارد اما اشاره مستقیم تاریخی نیز برای آن یافت نمی‌شود. این نکات و نکات ریز و درشت دیگر این اثر از دید ناشر و ناظران محتوایی کار به نظر مغفول مانده و با بررسی‌های مکرر به زوایای مختلف کار احاطه داشته‌اند. اما آنچه ناظران بویق کرده که این اثر را ترجمه و در دسترس مخاطب قرار دهد پرداختن به امام زین‌العابدین از سوی نویسنده‌ای از برادران اهل سنت با رویکردی عرفانی و هدایت‌دانه است. تورگوت می‌کوشد که لحظه به لحظه‌ی سفر امام را با دیدی عرفانی رمزگشایی کند و الگویی به روز را برای جامعه‌ی امروز مسلمانان ارائه دهد. این رویکرد اگرچه خالی از اشکال نیست اما در جامعه مسلمانان که جریان‌های افراطی چهره‌ی زیبای اسلام را در نظر جهانیان مخدوش نموده‌اند، کارهایی مانند «شهید عشق» همچون گوهری تابان در عمق آبی گل‌آلود می‌درخشد.

ما با ترجمه این اثر می‌کوشیم به بازخوانی خطوط ارزشی در فرهنگ دیگر کشورها پرداخته و رویه‌ی کمتر دیده شده‌ی ادبیات جهان را به نمایش گذاریم.

ترکیه کشوری ست با ادبیات غنی و پیشرو که آثار ارزشی آن معمولاً مغفول دست اندرکاران نشر قرار می گیرد. امیدواریم این اثر شروع حرکتی در جهت تقویت یافتن آثار جبهه‌ی مقاومت در تمام دنیا باشد.

«السلام علی من بذل محجته فی الله، لیستنقذ عباده من الجهالة و حيرة الضلالة
وقد توازر علیه من غرته الدنيا و باع حظه بالارذل الادنی.»



مقدمه نویسنده:

برای زیباترین کسانی که خورشید به رویشان طلوع می‌کند.
برای پدرم

آن شب که صفحات مسح مقدس در برابرم ورق خوردند، یکی از کوتاه‌ترین
سوره‌ها در پیش چشمانم آمد:
«همانا ما به تو کوثر را عطا کردیم. پس این پروردگارت نماز بخوان و شتر قربانی
کن. بی‌گمان دشمن تو بی‌ادامه است.»

مصحف را که بستم، دیدگانم نیز بسته شدند. نه چشمانم هنوز می‌دیدند.
در پیش چشمانم انسان‌هایی ظاهر شدند که هرنداشت‌شان زبان یک ملت
بودند از بزرگی و نام‌آوری.

رفتارشان باوقار و نگاهشان نافذ بود. در حال صف کشیدن روبرو رکت
بودند. گویی از گذشته به آینده و از تاریکی به روشنی گام برمی‌داشتند.
از خودم پرسیدم: «اینان کجا می‌روند؟»

صدایی گفت: «به کریلا.»

به شوق آمدم. خواستم پشت سرشان راه بیفتم.

صدا اما گفت: «خوب فکر کن. تاوان این پیروی تو بسیار سنگین است.»

ترسیدم. همان صدا ادامه داد: «کوفی‌ها هم ترسیده بودند. فراموش نکن! کسانی که می‌ترسند، دوستان خود را تنها می‌گذارند؛ نه تنها دوستان خود را، بلکه دوستی و انسانیت را نیز.»

شرمنده و گیج و رنجیده سکوت کردم.

صدا دوباره گفت: «نه شرمنده شو و نه بترس! بکوش تا بفهمی، تا دریایی! کسانی که رفتند، پیروز شدند.»

«کنجکاو پرسیدم: «یزید؟!» «مگریزید پیروز نشد؟ مگر خون حسینؑ در دوستانش را نریخت و مستانه بر سریر قدرت تکیه نزد؟»

صدا گفت: «این پنداری خطاست.» «کتاب را بگشا و این داستان را از نو بخوان و خوب بسندیش که پیروز کارزار یزید بوده یا حسین پسر پیامبرؑ؟»
کنجکاوانه گفتم: «ردگه فریاد زدم: مگر این بار چگونه باید می‌خواندمش؟ و صدا با صدای آرام من جواب داد: «کربلا را تو یک داستان خونین مپندار! که در آن صفحاتی دیگر نیز هست که همانند شیر مادر سفید و پاک و گوارا است. در کربلا قهرمان گاهی حسین پسر علیؑ است و گاهی زینب دختر فاطمهؑ.»
پذیرفتم و نفس حبس شده در سینه‌ام را، برون دادم و گفتم: «که کربلا داستان جست‌وجوی حق و آزادی است؛ داستان غلبه صبر، تسلیم در برابر حق و از خود گذشتگی.»

صدای درونم اما می‌گفت: «هنوز برخی حقایق را نادیده می‌گیری.»

کمی آرام شدم، سکوت کردم و سرم را به زیر انداختم.
صدا گفت: «کربلا را به گونه‌ای دیگر نیز نگاه کن.» «یزید این داستان، همان نفس آدمی است که هر آن، به بدی‌ها امر می‌کند و در زمین نفاق می‌افکند و خون می‌ریزد. کوفیانی که وقتی زور و زر را دیدند، دوستانشان را در نیمه راه رها کردند. اینک آیا این عقل تو نیست که ملاحظه مصلحت می‌کند؟ یاران حسینؑ که خود خلیفه الله بود بر زمین با تزکیه به اوج رسیدند... فراموش مکن! کسی که تورا آفریده، آفریدگار یزید و کوفیان و حسینؑ نیز هست.»

ناگهان لرزیدم. نطقم کور شد و حقیقت این که حسین علیه السلام فرزند پیامبر
رحمت علیه السلام و حبیب خدا، و یزید که قرن هاست به لعنت گرفتار است، هر دو همواره
در درون من بوده اند. برایم آشکار شد. از خود پرسیدم: من آیا بیشتر شبیه کوفیان
بوده ام؟ ...

پس گفتم: «خواهم خواند. دوباره از آغاز خواهم خواند.»

و چنین بود که صفحات را دوباره ورق زدم ...

درود خداوند بر پیام آور برگزیده اش علیه السلام و بر خاندان پاک او علیهم السلام